

معلمی؛ حرفه‌ای که در همکاری زنده می‌ماند



حجت‌اله طالبیان بروجنی
کارشناس آموزشی

شعار امسال روز جهانی معلم، «بازتعریف معلمی به‌عنوان یک حرفه همکاری‌محور و مشارکتی» است؛ شعاری که در نگاه نخست، ساده و تکراری به نظر می‌رسد اما اگر لایه‌های آن را بشکافیم، عمق یک تحول بنیادین در آموزش را آشکار می‌کند. این شعار درواقع پاسخی است به بحرانی که بسیاری از نظام‌های آموزشی جهان با آن دست‌به‌گریبان‌اند؛ تنهایی مزم‌ن معلمان در کلاس درس و غیبت فرهنگ همکاری در ساختار آموزش.

در بسیاری از کشورها از جمله ایران، معلم همچنان در کلاس خود تنهاست؛ او باید هم طراح باشد، هم مجری، هم ارزیاب و هم مشاور. این تنهایی، فشار روانی و حرفه‌ای زیادی را تحمیل می‌کند و درنهایت کیفیت آموزش را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش‌های جهانی نشان داده‌اند که هیچ‌یک از تغییرات آموزشی پایدار نبوده‌اند؛ مگر آنکه معلمان در طراحی و اجرای آن، نقش فعال و مشارکتی ایفا کرده باشند.

به‌بیان دیگر، راهی که معلمان با اراده و همکاری خود طی می‌کنند، بسیار اثربخش‌تر از نسخه‌هایی است که بیرون از کلاس برای‌شان پیچیده می‌شود.

اما همکاری، تنها یک «روش» نیست؛ یک «فرهنگ» است. در فرهنگی که یادگیری به‌عنوان یک ارزش جمعی شناخته می‌شود، معلمان می‌آموزند که بازخوردگرفتن نشانه ضعف نیست، بلکه بخشی از رشد حرفه‌ای است. در چنین فرهنگی، اشتباه‌کردن، آغاز یادگیری است؛ گفت‌وگو، ابزار اصلی توسعه است و مشاهده تدریس همکاران، فرصتی برای ارتقای کیفیت آموزش است؛ نه تهدیدی برای جایگاه فردی.

تغییر پایدار در آموزش، از دل این فرهنگ برمی‌خیزد، نه از بخش‌نامه‌ها و طرح‌های کوتاه‌مدت.

نمونه روشن این نگاه را می‌توان در الگوی «درس‌پژوهی» در ژاپن دید؛ جایی که معلمان، یک‌سال تمام را صرف کار روی یک درس خاص می‌کنند. آنها بارها طراحی می‌کنند، اجرا می‌کنند، مشاهده می‌کنند و اصلاح می‌کنند. برای ناظران بیرونی شاید این کار افراطی یا حتی غیرضروری به نظر برسد، اما واقعیت این است که همین تمرکز گروهی بر یک موضوع کوچک، به انباشت دانش حرفه‌ای و رشد تدریجی مهارت معلمان منجر می‌شود. این انباشت، نه‌در کتاب‌های درسی و نه‌در دوره‌های ضمن خدمت مقطعی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه تنها در بستر همکاری عمیق و مستمر امکان‌پذیر است.

شعار روز جهانی معلم در سال ۲۰۲۵ درحقیقت می‌خواهد یک مرز روشن را یادآور شود؛ معلمی اگر قرار است یک «حرفه» باشد، باید دانشی جمعی داشته باشد، نه فردی. حرفه‌ای که دانش آن در تعامل، گفت‌وگو و کار مشترک تولید و بازتولید شود، حرفه‌ای زنده و پویا خواهد بود. اما اگر معلم همچنان در جزیره‌ای منفرد بماند و یادگیری او به کارگاه‌های کلیشه‌ای محدود شود، آموزش به تکرار فرساینده‌ای بدل خواهد شد که، نه برای معلم انگیزه‌ای می‌گذارد، نه برای دانش آموز معنا.

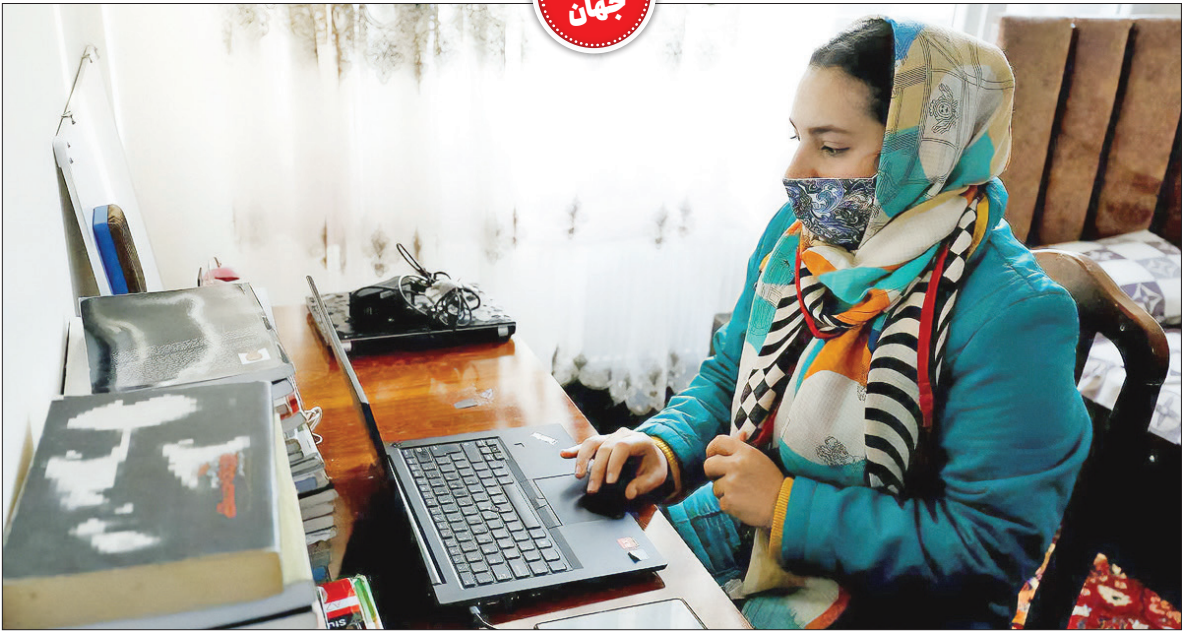
جمع‌بندی این نگاه ساده است، اما عمیق ► باید معلمی را از یک فعالیت فردی و ایزوله، به یک حرفه جمعی و همکاری‌محور بازتعریف کرد.

► باید ساختارهای مدرسه و سیاست‌های آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شوند که همکاری، بازخورد و یادگیری مشترک بخشی از زندگی روزانه معلمان شود.

► باید جامعه بپذیرد که هیچ اصلاح‌پایداری در آموزش، بدون همکاری معلمان امکان‌پذیر نیست.

این همان پیام پنهان در شعار امسال است؛ پیامی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند به بازسازی امید در حرفه معلمی و بهبود واقعی در کیفیت آموزش منجر شود.

مردم جهان



گفت‌وگو با مردم افغانستان دربارهٔ ۲ روز قطعی کامل اینترنت و تأثیرش بر زندگی زنان

خاموش در قعر تاریکی

قطع اینترنت موجب تعطیلی آموزش آنلاین، کسب وکارها کنسل شدن پروازها و قطع راه‌های دسترسی به کمک شد

الهه محمدی

خبرنگار گروه جامعه

انگار دوباره عید پایش را گذاشته باشد وسط هرات؛ انگار درخت‌ها این‌بار در پاییز گل داده باشند، بهار شده باشد، تاریکی رفته باشد و روز آمده باشد. برای «گل‌سوز»، زن ۲۰ ساله هراتی که طالب‌ها نگذاشته‌اند پایش به‌دانشگاه برسد، وصل شدن دوباره اینترنت درست مثل روز عید بوده: «همه خلاقان خوش بودند. آن هم بعد از سه روز بی‌خبری «گل‌سوز» از همه‌جا، بعد از هراس او و دیگر «اناث» برای ازدست‌رفتن فرصت درس خواندن در «پوهنتون»‌های آنلاین خارج از کشور که از چهار سال پیش به‌رویشان «بند» شد و از همان زمان «جگر خون» شدند. ۴۸ ساعت قطعی کامل اینترنت، برای مردم افغانستان چندسال گذشته؛ آنها هراس داشتند که مبادا قطع اینترنت بشود همان «بند» کردن مکاتب و دانشگاه‌ها برای همیشه و دیگر نتوانند همان بنیم‌فعالیت‌هایی را که دارند، ادامه دهند؛ مثل امیدهای ازدست‌رفته «زلما»، «هدیه»، «مریم»، «حسنیه»، «عزرا» و «نسرین جان»، ساکن کابل، مزار شریف و کنده که قبل از سلطه دوباره طالبان، دانش‌آموز و دانشجوی، خبرنگار، نویسنده و شاعر بودند و حالا به «هم‌میهن» می‌گویند که قطعی چندروزه اینترنت در هفته پیش، به تاریکی مطلق بردشان، دو عکاس ایرانی و افغان که این روزها در ولایات مختلف افغانستان عکاسی می‌کنند هم به «هم‌میهن» می‌گویند، آنقدر شرایط برایشان در این روزها دشوار شد که حتی می‌ترسیدند دوربین‌شان را در بیاروند و عکاسی کنند. «گل‌سوز» حالا که دوباره گوشی به‌دست شده، می‌گوید قبل از به قدرت رسیدن طالبان «نو» از مقطع ۱۲ متوسطه فارغ‌التحصیل شده بوده؛ داشته خودش را آماده می‌کرده که به‌دانشگاه برود و طالبان نگذاشته. او هم مثل میلیون‌ها زن افغان، خانم‌نشین شده و دیگر هیچ‌وقت زندگی برایشان عادی پیش نرفته: «حتی تا مرکز خرید بدون محرم رفتن، نمی‌توانیم. مدام ماندن در خانه برای یک انسان واقعاً خسته‌کننده است؛ آن هم «نی» یک‌روز، دوزخ و چهار سال؛ یک عمر.»

برای این زنان، بازگشت اینترنت مثل روشن شدن چراغی بوده در دل تاریکی اما همه آنها نگران آینده‌اند یا آنطور که «مریم» می‌گوید، این احساس مثل احساس داشتن نانی است که نمی‌دانی فردا باز هم به دست می‌رسد یا نه. شاید بدلیل همین ترس هم بود که همه این زنان در پایان مصاحبه یک چیز را خطاب به جهان تکرار می‌کردند: «مردم! ما را فراموش نکنید، نگذارید از یادها برویم.»

خیز برای سرکوب بیشتر

دوشنبه هفته گذشته، خاموشی سراسری اینترنت در افغانستان شروع شد؛ شرکت‌های مخابراتی گفتند دستور قطع داده شده و ناظران هم افت شدید ظرفیت شبکه را ثبت کردند. گروه‌های بین‌المللی و مأموریت سازمان ملل از طالبان خواستند سرویس‌ها را فوراً برگردانند و هشدار دادند که این اقدام به‌ویژه دسترسی زنان به آموزش، خدمات بهداشتی و کمک‌های انسانی را به‌شدت تهدید می‌کند. طالبان ابتدا علت را «مقابله با بی‌اخلاقی» خواندند؛ بعد بعضی سخنان رسمی یا توضیحات جایگزین (مثل مشکلات کابل فیبر نوری) منتشر شد اما ابهام و تناقض در بیانیه‌ها و گزارش‌ها ادامه داشت. گزارش‌های میدانی و سازمان‌های حقوق بشری می‌گویند، خاموشی موجب تعطیلی کسب‌وکارها، کنسل شدن پروازها و قطع راه‌های دسترسی به کمک شد و زنان و روزنامه‌نگاران را در وضعیت بدی قرار داد. در تحلیل‌ها آمده است که طالبان با قطع اینترنت تلاش می‌کند

کارزار سرکوب و سرپوش گذاری بر نقض حقوق بشر را پنهان کند. اسمریتی سینگ، مدیر منطقه‌ای عفو بین‌الملل در آسیای جنوبی، در واکنش به قطع کامل اینترنت در سراسر افغانستان از سوی مقامات امروایی طالبان، به‌بهانه جلوگیری از «سوءاستفاده از اینترنت» و گسترش اعمال غیراخلاقی گفت: «قطع سراسری اینترنت توسط مقامات امروایی طالبان، اقدامی بی‌پرواست که پیامدهای گسترده‌ای بر برساندن کمک‌های بشردوستانه، دسترسی به خدمات صحتی و دیگر خدمات اساسی خواهد داشت؛ آن هم در زمانی که افغانستان با چندین بحران انسانی روبه‌روست که تقریباً نیمی از جمعیت کشور تحت‌تأثیر قرار داده. ارتباطات و دسترسی به اطلاعات ابزارهای حیاتی برای حفاظت و ارتقای حقوق بشرد، طالبان با تنگ‌تر کردن حلقه خفان بر جریان اطلاعات، عملاً مطمئن می‌شوند که جهان از نقض‌های جاری در داخل کشور بی‌خبر بماند.» او گفته که علاوه بر این، باتوجه به ممنوعیت حضور زنان افغانستان در مکاتب بالاتر از مقطع ابتدایی، دسترسی به اینترنت برای آموزش آنها حیاتی است: «این خاموشی، توانایی آن‌ها برای یادگیری را مختل کرده و تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست. قطع کامل اینترنت ذاتاً نامتناسب است و آشکارا با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در تضاد قرار دارد. طالبان باید فوراً دسترسی کامل به اینترنت را برقرار کنند.» مأموریت کمک سازمان ملل در افغانستان (UNAMA) هم از طالبان خواست که بلافاصله دسترسی کامل به اینترنت و خدمات مخابراتی را در سراسر کشور برقرار کنند. آنها هشدار دادند که این خاموشی، ثبات اقتصادی را تهدید می‌کند، خدمات بانکی، بهداشتی، هوایی و امدادی را فلج کرده و زنان را بیشتر منزوی می‌کند. همچنین واکنش‌گن‌پست‌نوشته است که این خاموشی احتمالاً تصمیم عمدی طالبان برای تمرکز بر کنترل است و پیامدهای شدید اقتصادی، آموزشی و خدماتی در پی داشته است. علاوه بر این، بیش از ۱۰۰ سازمان جامعه مدنی و حقوق بشری بیانیه‌ای مشترک صادر کردند و اقدام طالبان را «نقض آشکار حقوق بشر»، «تلاش برای پنهان کردن سرکوب‌ها و قطع جریان اطلاعات خواندند. آن‌ها از جامعه بین‌المللی درخواست کرده‌اند طالبان را مسئول بداندن و فشار دیپلماتیک بر آنان وارد شود. کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران هم (CPJ) خواهان بازگرداندن هرچه سریع‌تر اینترنت فیبر نوری شد و هشدار داد که خاموشی شدید، امکان کار رسانه‌ای مستقل را از بین می‌برد.

تاریکی دوباره برگشت

روژهایی که اینترنت در افغانستان قطع شد، مریم حس کرده دوباره در تاریکی فرو رفته؛ تاریکی‌ای که از چهارسال قبل با حکمرانی دوباره طالبان شروع شد و همین هم شد که تنها راه مریم و زنان افغان برای یادگیری و ارتباط با بقیه، شد همین اینترنت. «مریم ابراهیمی» ۲۵ ساله، روزی محصل رشته مهندسی در پوهنتون (دانشگاه) کابل بوده و بعد از ممنوعیت درس خواندن برای زنان، کتاب‌ها و منابع‌اش برای یادگیری را فقط آنلاین پیدا می‌کرد. امروز برای من دیگر، نه خبری از واحدهای درسی مهندسی است، نه خبری از پروژه‌هایی که برایش برنامه‌ریزی کرده بودم. او حالا در چهاردیواری خانه می‌نشیند و با کتاب‌ها و منابع آنلاین، سعی می‌کند از روزهایش را دنبال کند اما وقتی اینترنت از دوشنبه هفته پیش قطع شد، حتی همین دریاچه کوچک هم برایش بسته شد؛ او به «هم‌میهن» می‌گوید که ارتباط با دوستان و اقوام‌اش هم در این روزها دشوار شد و خبرگیری از وضعیت اطرافیانش به مشکل خورد: «احساس می‌کردم کاملاً منزوی و جدا

از دنیا مانده‌ام.» مریم می‌گوید قطع اینترنت نه‌فقط زندگی شخصی، که خانواده او را هم در تنگنا گذاشت: «برای من، تحصیل آنلاین و استفاده از کورس‌ها و منابع آموزشی غیرممکن شد. برای خانواده، ارتباط با اقارب خارج از کشور قطع شد و نگرانی زیادی ایجاد کرد. دسترسی به اخبار و اطلاعات مهم هم از بین رفت و نمی‌دانستیم چه می‌گذرد. نبود اینترنت مثل قطع شدن یک پل حیاتی است؛ به‌ویژه برای نسلی مثل من که به امید آموزش آنلاین دل بسته‌ایم.»

وقتی اینترنت بعد از چندروز دوباره وصل شد، مریم اولین تماس هایش را با دوستانش گرفت و بعد سراغ منابع درسی‌اش برگشت: «در کنار خوشحالی، یک ترس هم در دلم بود؛ این که هر لحظه ممکن است دوباره قطع شود و هیچ تضمینی برای آینده نیست. این احساس مثل داشتن نانی است که نمی‌دانی فردا باز هم به دستت می‌رسد یا نه.» قبل از طالبان، زندگی مریم پر از رفت‌وآمد و درس بود؛ در کلاس‌ها می‌نشست، پروژه‌های علمی و فرهنگی دانشجویی را دنبال می‌کرد و هر روز هدفی برای مطالعه داشت. اما حالا، روزهایش بیشتر در خانه می‌گذرد: «این تغییر باعث شده حس پوچی و سرخوردگی را تجربه کنم، چیزی که هیچ‌وقت در دوران محصل بودن حس نکرده بودم.» بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین محدودیت برای او همان ممنوعیت تحصیل است: «من سال‌ها برای رسیدن به پوهنتون، زحمت کشیده بودم و قبول شدن در رشته انجیری برابیم یک موفقیت بزرگ بود اما این فرصت از من گرفته شد، بدون این که هیچ گناهی کرده باشم. این محدودیت فقط یک ضربه شخصی نیست؛ بلکه آینده یک نسل از دختران را از بین برده و کشور را از نیروی متخصص محروم کرده است.»

قطع اینترنت اما برای زنان سنگین‌تر است تا مردان؛ طبق داده‌های یونسکو، از زمان بازگشت طالبان به قدرت در اوت ۲۰۲۱، حداقل ۱/۴ میلیون دختر به‌صورت عمدی از تحصیلات متوسطه محروم شده‌اند. اگر تعدادی از دختر بچه‌هایی را که پیش از طالبان هم در مدارس نبودند به این عدد اضافه کنیم، مجموع دختران محروم از آموزش در افغانستان، به تقریباً ۲/۵ میلیون نفر می‌رسد که حدود ۸۰ درصد از آنها در سن مدرسه‌اند. همچنین تعداد دانش‌آموزانی که در آموزش ابتدایی ثبت‌نام کرده‌اند، کاهش یافته است: در سال ۲۰۱۹ حدود ۶/۸ میلیون کودک (دختر و پسر) در مکتب ابتدایی بودند اما در سال ۲۰۲۲ این تعداد به ۵/۷ میلیون رسیده است. دلایل شامل کمبود معلم دختر بچه‌ها برای تدریس به پسران و بی‌انگیزگی والدین به فرستادن فرزندان به مکتب به‌خاطر وضعیت اقتصادی و محدودیت‌ها بوده است. مریم می‌گوید زنان خلاف مردان، آزادی زیادی در رفت‌وآمد ندارند و اینترنت تنها راه‌شان برای آموزش، ارتباط و حتی درآمدزایی است: «وقتی اینترنت قطع می‌شود، زنان کاملاً از جامعه منزوی می‌شوند. در حالی که مردان هنوز می‌توانند بیرون بروند و ارتباط مستقیم برقرار کنند، زنان در خانه‌ها زندانی‌تر می‌شوند و فرصت‌های آموزشی و شغلی‌شان به صفر می‌رسد.» او می‌گوید زنان افغان با وجود تمام سختی‌ها هنوز ایستاده‌اند و در تلاشند که امید و آرزوهایشان را زنده نگه می‌دارند: «کمک کنید که دختران افغان دوباره به حق تحصیل و کارشان برسند. حتی یک حمایت کوچک، یک بورس تحصیلی، یک برنامه آموزشی آنلاین یا رساندن صدای ما می‌تواند زندگی‌های زیادی را تغییر دهد. ما نیاز داریم دنیا ما را ببیند و باور کند که زنان افغان شایسته همان فرصت‌هایی‌اند که زنان دیگر کشورها دارند.»

راهی برای زنده ماندن

«زلما» ۲۲ ساله است؛ زنی از کابل که عصرها، پشت لپ‌تاپ کوچک‌اش می‌نشیند تا دانشجوی آنلاین یک «پوهنتون» خارجی باشد. زلما دوسال پیش، تازه از مکتب فارغ شده بود و می‌خواست در دانشگاه کابل درس بخواند. از کلاس یازدهم تلاش کرده بود، آزمون داده بود و برنامه ریخته بود اما درست دو هفته بعد از کنکور، طالبان آمدند و همه چیز زیرورو شد. خودش به «هم‌میهن» می‌گوید، قبل از آمدن طالبان برنامه‌ها داشته که همه بر باد رفته: «می‌فهمیدم قرار است درس بخوانم و کار کنم. فرصت‌ها زیاد بود اگر چه جنگ بود اما بعد از آمدن طالبان، هر چه فرصت برای زنان بود، گرفته شد. اولین و مهم‌ترین محدودیتی که تجربه کردم، بستن مکتب‌ها و پوهنتون‌ها برای زنان بود.» از آن روزهای سخت تا الان، زندگی زلما وابسته به اینترنت بوده؛ هم برای درس، هم برای کارهای روزمره، اما همین چندروز پیش، کابل سه شبانه‌روز در تاریکی فرو رفت و هیچ شبکه‌ای کار نمی‌کرد. هیچ پیامی نمی‌رسید و زلما فکر نمی‌کرد این روزها را هم به‌چشم ببیند: «من که آنلاین درس می‌خوانم، با قطع اینترنت دوباره همان حس حسرت را تجربه کردم که وقت بسته‌شدن پوهنتون‌ها داشتم؛ حس حریمت و ناامیدی. نمی‌توانستم به‌درس‌های آنلاینم دسترسی داشته باشم. حتی برای کارهای روزمره مثل پیدا کردن اطلاعات هم مشکل داشتم. در این سرورز نه‌تنها اینترنت، بلکه همه ارتباطات قطع بود. حس می‌شد برگشته‌ایم به زمان نامه‌فرستادن. حتی در داخل شهر خبری از دوستان و اقارب نبود» و بانگ‌ها هم بسته بودند. «برای زانی مثل زلما، اینترنت تنها یک ابزار نیست؛ راهی است برای زنده ماندن امید. بسیاری از زنان افغان، بعد از بسته‌شدن درهای مکتب و پوهنتون، کارهای آنلاین راه انداخته بودند؛ فروشگاه‌های کوچک، فروش محصولات خانگی، کلاس‌های مجازی. با قطع نت، همه اینها متوقف شد.» «بسیاری از زنان تنها راه آموزش و ارتباط‌شان با دنیا را از طریق اینترنت پیدا کرده بودند. با قطع شدن نت، دسترسی آن‌ها به درس‌های آنلاین، فرصت‌های کاری و منابع آموزشی از بین رفت.»

در حالی قطعی اینترنت در افغانستان، زنان زیادی را دوباره و دوباره ناامید کرد که سال تحصیلی جدید (۲۰۲۵) بدون باز شدن مدارس متوسطه برای دختران بالای کلاس ششم آغاز شده است؛ یعنی همان ممنوعیت قبلی همچنان پابرجاست. یونسف اعلام کرده که تقریباً ۴۰۰ هزار دختر دیگر در شروع سال تحصیلی اخیر، نسبت به سال قبل، از حق تحصیل محروم شده‌اند؛ به عبارت دیگر تعداد کل